



شما در حال مطالعه نسخه آفلاین یکی از مقالات «زبان مستر» هستید. لطفاً توجه داشته باشید که در این نسخه، برخی امکانات تعاملی مانند پخش صوت، ویدیو و تمرین‌های هوش مصنوعی در دسترس نیستند. برای مشاهده نسخه کامل و آنلاین مقاله، همراه با امکانات آموزشی و تجربه کاربری بهتر، [اینجا کلیک کنید](#).

کاربردهای it در انگلیسی + مثال و ترجمه

🕒 ۱۴۰۵/۰۴/۱۱ ارسال شده توسط مصطفی ساهری 📁 مقالات زبان انگلیسی 🌐 ۱۴.۴۸k بازدید



کاربردهای it در انگلیسی

Uses of "It" in English

مثال و ترجمه +

- It's about 9:25.** (Illustrated with a red alarm clock)
- It's far away.** (Illustrated with a woman with a backpack looking at a tall building in the distance)
- It's dark outside!** (Illustrated with a man looking out a window at night)

zabanmaster.com 

کلمه **it** یکی از پرکاربردترین واژه‌ها در انگلیسی است، اما همیشه معنی مستقیم «آن» نمی‌دهد. در خیلی از جمله‌ها، **it** فقط برای کامل شدن ساختار جمله می‌آید؛ مثل صحبت درباره زمان، هوا، فاصله یا حتی نظر دادن. در این درس از مجموعه **آموزش زبان انگلیسی**، کاربردهای مهم **it** را با مثال‌های واقعی و ساده یاد می‌گیرید تا بتوانید آن را درست و طبیعی در جمله به کار ببرید.

موضوعات این مقاله

- ۱ کاربرد **it** در انگلیسی دقیقاً چیست؟
- ۲ کاربرد **it** به عنوان ضمیر برای شیء، حیوان یا موقعیت
- ۳ جمله با **it** در انگلیسی؛ ساختارهای پایه‌ای که باید بلد باشید
- ۴ کاربرد **it** برای زمان، تاریخ، روز و ساعت
- ۵ کاربرد **it** برای آب و هوا، دما، روشنایی و تاریکی
- ۶ کاربرد **it** برای فاصله و مدت زمان
- ۷ **it** به عنوان فاعل مجازی یا **Dummy Subject**
- ۸ جمع بندی
- ۹ سوالات متداول

کاربرد **it** در انگلیسی دقیقاً چیست؟

در انگلیسی، **it** معمولاً برای اشاره به چیزی استفاده می‌شود که انسان نیست؛ مثل یک شیء، حیوان، اتفاق، وضعیت یا موضوعی که قبلاً درباره‌اش صحبت کرده‌ایم. مثلاً:

I bought a new phone. It is really fast.

من یک گوشی جدید خریدم. (آن) خیلی سریع است.

در این جمله، **it** به **a new phone** اشاره می‌کند. یعنی به جای اینکه دوباره بگوییم **the phone**، از **it** استفاده می‌کنیم. اما کاربرد **it** فقط به معنی «آن» محدود نمی‌شود. در خیلی از جمله‌های انگلیسی، **it** به چیز مشخصی اشاره نمی‌کند و فقط می‌آید تا جمله از نظر گرامری کامل شود؛ چون در انگلیسی بیشتر جمله‌ها باید فاعل داشته باشند.

It is raining.

باران می‌آید.

در فارسی نمی‌گوییم «آن باران می‌آید»، اما در انگلیسی نمی‌توانیم بگوییم **Is raining**. به همین دلیل از **it** استفاده می‌کنیم تا جای فاعل جمله را پر کند. پس به طور کلی، **it** دو کاربرد اصلی دارد:

- وقتی به یک چیز، حیوان، موقعیت یا موضوع مشخص اشاره می‌کند. مثلاً:

Where is my bag?

کیفم کجاست؟

It is on the chair.

روی صندلی است.

- وقتی فقط برای کامل شدن ساختار جمله می‌آید و معنی مستقیمی در فارسی ندارد. مثلاً:

It is cold today.

امروز هوا سرد است.

بیشتر بخوانید: انواع ضمیر در انگلیسی

کاربرد it به عنوان ضمیر برای شیء، حیوان یا موقعیت

یکی از ساده‌ترین کاربردهای it زمانی است که می‌خواهیم به یک شیء، حیوان، اتفاق یا موقعیت اشاره کنیم. در این حالت، it معمولا جایگزین اسمی می‌شود که قبلا در جمله یا مکالمه آمده است. مثال:

I have a new laptop. It is very light.

من یک لپ‌تاپ جدید دارم. خیلی سبک است.

در این جمله، it به a new laptop اشاره می‌کند.

استفاده از it برای اشیا

وقتی درباره یک شیء صحبت می‌کنیم، معمولا بعد از معرفی آن می‌توانیم از it استفاده کنیم تا جمله طبیعی‌تر شود و اسم را تکرار نکنیم. مثلا:

This chair is old, but it is comfortable.

این صندلی قدیمی است، اما راحت است.

I lost my key. I can't find it anywhere.

کلیدم را گم کردم. هیچ جایی نمی‌توانم پیدایش کنم.

The movie was long, but I enjoyed it.

فیلم طولانی بود، اما از آن لذت بردم.

در مثال‌های بالا، **it** به ترتیب به **chair**، **key** و **movie** اشاره می‌کند.

استفاده از **it** برای حیوانات

در انگلیسی، وقتی درباره حیوانی صحبت می‌کنیم و جنسیت آن برایمان مهم نیست یا آن را نمی‌دانیم، معمولاً از **it** استفاده می‌کنیم. مثال:

Look at that cat. **It** is sleeping under the car.

به آن گربه نگاه کن. زیر ماشین خوابیده است.

I saw a bird in the garden. **It** was really small.

یک پرنده در باغ دیدم. خیلی کوچک بود.

اما اگر حیوان برای ما آشنا، خانگی یا مهم باشد، خیلی وقت‌ها از **he** یا **she** هم استفاده می‌کنیم. مثال:

This is my dog, Max. **He** is very friendly.

این سگ من، مکس است. او خیلی مهربان است.

My cat is old. **She** sleeps all day.

گربه‌ام پیر است. او تمام روز می‌خوابد.

پس برای حیوانات، **it** اشتباه نیست؛ اما وقتی حیوان را مثل یک عضو خانواده می‌شناسیم، استفاده از **he** یا **she** طبیعی‌تر است.

بیشتر بخوانید: اسامی حیوانات به انگلیسی

استفاده از **it** برای موقعیت یا اتفاق

گاهی **it** به یک موقعیت، اتفاق یا کل جمله قبلی اشاره می‌کند؛ نه فقط به یک اسم مشخص. مثال:

I missed the bus. **It** was really annoying.

اتوبوس را از دست دادم. واقعا آزاردهنده بود.

در این جمله، **it** به کل موقعیت («از دست دادن اتوبوس») اشاره می‌کند. مثال‌های بیشتر:

She didn't call me back. **It** made me worried.

او دوباره با من تماس نگرفت. این موضوع نگرانم کرد.

We had to wait for two hours. **It** was terrible.

مجبور شدیم دو ساعت صبر کنیم. افتضاح بود.

He passed the exam. **It** made his parents very happy.

او امتحان را قبول شد. این موضوع پدر و مادرش را خیلی خوشحال کرد.

در این کاربرد، **it** را می‌توان در فارسی گاهی «این موضوع»، «این اتفاق» یا «این کار» ترجمه کرد؛ اما همیشه لازم نیست مستقیم ترجمه شود.

جمله با it در انگلیسی؛ ساختارهای پایه‌ای که باید بلد باشید

برای اینکه **it** را درست در جمله به کار ببرید، باید چند ساختار پایه‌ای را خوب بشناسید. چون **it** سوم شخص مفرد است، فعل بعد از آن معمولا مثل **he** و **she** صرف می‌شود. مثلا در زمان حال ساده، به فعل اصلی معمولا **s** یا **es** اضافه می‌شود:

It works.

کار می‌کند.

It looks good.

خوب به نظر می‌رسد.

It costs too much.

خیلی گران است.

در ادامه، چند ساختار مهم و پرکاربرد با **it** را بررسی می‌کنیم.

جمله با **it is** و **it's**

یکی از رایج‌ترین ساختارها با **it**، ترکیب **it is** است. در مکالمه روزمره، معمولا به جای **it is** از شکل کوتاه‌شده **it's** استفاده می‌شود.

It is cold.

هوا سرد است.

It's cold.

هر دو جمله درست هستند، اما **it's** در مکالمه طبیعی‌تر و رایج‌تر است. مثال‌های بیشتر:

It's late.

دیر است.

It's easy.

آسان است.

It's not a big deal.

مسئله مهمی نیست.

It's my first time here.

اولین بارم است که اینجا هستم.

It's nice to see you again.

خوشحالم دوباره می‌بینمت.

در این ساختار، **it** همیشه به یک چیز مشخص اشاره نمی‌کند. مثلاً در جمله **it's late**، **it** معنی مستقیم «آن» ندارد؛ فقط برای کامل شدن جمله آمده است.

جمله با **it does**

در زمان حال ساده، وقتی جمله منفی یا سوالی می‌سازیم، برای **it** از **does** استفاده می‌کنیم. چون **it** سوم شخص مفرد است، نباید از **do** استفاده کنیم. در حالت مثبت می‌گوییم:

It works.

کار می‌کند.

اما در حالت منفی می‌گوییم:

It doesn't work.

کار نمی‌کند.

و در حالت سوالی می‌گوییم:

Does it work?

کار می‌کند؟

مثال‌های بیشتر:

It doesn't matter.

مهم نیست.

Does it matter?

مهم است؟

It doesn't look right.

درست به نظر نمی‌رسد.

Does it come with a charger?

شارژر هم همراهش دارد؟

Does it make sense?

منطقی است؟ / قابل فهم است؟

گاهی هم **it does** برای تأکید استفاده می‌شود. در این حالت، گوینده می‌خواهد بگوید «اتفاقا همین‌طور است» یا «واقعا این کار را می‌کند». مثلا:

It does matter.

اتفاقا مهم است.

It does look better now.

واقعا الان بهتر به نظر می‌رسد.

It does take a lot of time.

واقعا زمان زیادی می‌برد.

پس **it does** فقط برای سوال و منفی نیست؛ گاهی در جمله مثبت هم برای تأکید می‌آید.

جمله با **it has**

ساختار **it has** زمانی استفاده می‌شود که بخواهیم بگوییم یک چیز چیزی دارد، یا درباره تجربه و وضعیت کامل شده صحبت کنیم. مثلا وقتی **has** معنی «دارد» می‌دهد:

It has a big screen.

صفحه نمایش بزرگی دارد.

It has two bedrooms.

دو اتاق خواب دارد.

It has a strange smell.

بوی عجیبی دارد.

It has a lot of problems.

مشکلات زیادی دارد.

در مکالمه روزمره، مخصوصاً در انگلیسی بریتانیایی، ممکن است به جای **it has** از **it's got** هم استفاده شود:

It's got a nice camera.

دوربین خوبی دارد.

It's got a few scratches.

چند تا خط و خش دارد.

اما **it has** در نوشتار رسمی‌تر و عمومی‌تر است. ساختار **it has** می‌تواند در زمان حال کامل هم بیاید. در این حالت، بعد از آن معمولاً قسمت سوم فعل می‌آید. مثال:

It has changed a lot.

خیلی تغییر کرده است.

It has been a long day.

روز طولانی‌ای بوده است.

It has become more expensive.

گران‌تر شده است.

It has stopped raining.

باران بند آمده است.

نکته مهم این است که **it has** با **it is** فرق دارد، اما هر دو می‌توانند به شکل کوتاه **it's** بیایند. برای تشخیص معنی، باید به کلمه بعد از **it's** نگاه کنید. اگر بعد از آن صفت، اسم یا قید بیاید، معمولاً معنی **it is** می‌دهد. اگر بعد از آن قسمت سوم فعل بیاید، معمولاً معنی **it has** دارد.

جمله حال ساده با **it**

در زمان حال ساده، **it** مثل **he** و **she** رفتار می‌کند. یعنی در جمله مثبت، فعل معمولاً **s** یا **es** می‌گیرد. ساختار مثبت:

It + verb (فعل) + s/es

مثال:

It works well.

خوب کار می کند.

It sounds good.

خوب به نظر می رسد.

It looks expensive.

گران به نظر می رسد.

It takes ten minutes.

ده دقیقه طول می کشد.

It depends on the price.

به قیمت بستگی دارد.

ساختار منفی:

It + doesn't + verb (فعل)

در جمله منفی، چون از **doesn't** استفاده می کنیم، فعل اصلی دیگر s نمی گیرد. در نتیجه گفتن «It doesn't works» غلط است؛ حالت درست:

It doesn't work.

کار نمی‌کند.

مثال‌های بیشتر:

It doesn't sound good.

خوب به نظر نمی‌رسد.

It doesn't take long.

زیاد طول نمی‌کشد.

It doesn't happen very often.

خیلی زیاد اتفاق نمی‌افتد.

It doesn't feel right.

حس خوبی ندارد. / درست به نظر نمی‌رسد.

ساختار سوالی:

Does + it + verb (فعل)?

مثلاً:

Does it work?

کار می‌کند؟

Does it hurt?

درد دارد؟

Does it sound natural?

طبیعی به نظر می‌رسد؟

Does it take long?

زیاد طول می‌کشد؟

Does it include breakfast?

صبحانه هم شاملش می‌شود؟

پس در زمان حال ساده، باید حواستان باشد که در جمله مثبت فعل با **it** تغییر می‌کند، اما در جمله منفی و سوالی، فعل اصلی به شکل ساده می‌آید.

بیشتر بخوانید: زمان حال ساده در انگلیسی

کاربرد **it برای زمان، تاریخ، روز و ساعت**

یکی از رایج‌ترین کاربردهای **it** در انگلیسی، صحبت کردن درباره زمان، تاریخ، روز و ساعت است. در این جمله‌ها، **it** معمولا به چیز خاصی اشاره نمی‌کند و فقط نقش فاعل جمله را دارد. در فارسی معمولا **it** را ترجمه نمی‌کنیم، اما در انگلیسی جمله بدون آن ناقص می‌شود. مثال:

It's 8 o'clock.

ساعت ۸ است.

در فارسی نمی‌گوییم «آن ساعت ۸ است»، اما در انگلیسی باید جمله را با **it** شروع کنیم.

پرسیدن ساعت با **it**

برای پرسیدن ساعت، معمولا از این ساختار استفاده می‌کنیم:

What time is it?

ساعت چند است؟

مثال:

A: What time is it?

ساعت چند است؟

B: It's half past six.

ساعت شش و نیم است.

مثال‌های بیشتر:

It's ten o'clock.

ساعت ده است.

It's quarter past nine.

ساعت نه و ربع است.

It's quarter to five.

یک ربع به پنج است.

It's almost midnight.

تقریباً نیمه شب است.

It's still early.

هنوز زود است.

It's getting late.

دارد دیر می شود.

جمله **It's getting late** در مکالمه خیلی طبیعی است و وقتی استفاده می شود که بخواهیم بگوییم وقت دارد می گذرد و بهتر است عجله کنیم یا کار را تمام کنیم. مثلا:

It's getting late. We should go home.

دارد دیر می شود. باید به خانه برویم.

بیشتر بخوانید: [پرسیدن و گفتن ساعت به انگلیسی](#)

استفاده از it برای روز و تاریخ

برای گفتن روز هفته، تاریخ یا مناسبت ها هم از it استفاده می کنیم. مثلا:

It's Monday.

دوشنبه است.

It's July 1st.

اول جولای است.

It's my birthday today.

امروز تولد من است.

It's a holiday tomorrow.

فردا تعطیل است.

It's the first day of school.

اولین روز مدرسه است.

در این جمله‌ها، it معنی مستقیم «آن» ندارد. فقط برای کامل شدن ساختار جمله آمده است. مثال بیشتر:

It's Friday tomorrow.

فردا جمعه است.

It's New Year's Eve tonight.

امشب شب سال نو است.

It's our anniversary next week.

هفته آینده سالگرد ماست.

It's the weekend.

آخر هفته است.

بیشتر بخوانید: گفتن و نوشتن تاریخ به انگلیسی

کاربرد it در عبارت **It's time to**

یکی از ساختارهای بسیار کاربردی با it، عبارت **It's time to** است. این ساختار یعنی «وقت آن است که...» یا «وقتشه که...». ساختار جمله:

It's time to + verb (فعل)

مثال:

It's time to go.

وقت رفتن است. / وقتشه بریم.

It's time to start.

وقت شروع کردن است.

It's time to sleep.

وقت خوابیدن است.

It's time to make a decision.

وقت تصمیم گرفتن است.

It's time to get serious.

وقتشه جدی بشیم.

در مکالمه روزمره، این ساختار خیلی زیاد استفاده می شود. مثلا:

It's time to leave. The movie starts in ten minutes.

وقت رفتن است. فیلم ده دقیقه دیگر شروع می شود.

It's time to take a break.

وقتشه کمی استراحت کنیم.

کاربرد it در عبارت **It's time for**

بعد از **It's time for** معمولاً اسم می‌آید، نه فعل ساده. ساختار:

It's time for + noun (اسم)

به این مثال‌ها توجه کنید:

It's time for lunch.

وقت ناهار است.

It's time for bed.

وقت خواب است.

It's time for class.

وقت کلاس است.

It's time for a change.

وقت تغییر است.

کاربرد it با about time

عبارت **It's about time** زمانی استفاده می‌شود که کاری دیر انجام شده یا انتظار داشته‌ایم زودتر انجام شود. این عبارت در فارسی می‌تواند معنی «دیگه وقتش بود» یا «بالاخره!» بدهد. مثلاً:

It's about time you called me.

دیگه وقتش بود بهم زنگ بزنی.

It's about time we changed this old computer.

دیگه وقتش بود این کامپیوتر قدیمی را عوض کنیم.

It's about time they fixed the road.

دیگه وقتش بود جاده را تعمیر کنند.

این ساختار کمی محاوره‌ای‌تر است و معمولاً وقتی استفاده می‌شود که از دیر انجام شدن کاری کمی ناراضی یا متعجب هستیم.

چند جمله کاربردی با it برای زمان

It's too early to call him.

برای زنگ زدن به او خیلی زود است.

It's too late to cancel now.

الان برای لغو کردن خیلی دیر است.

It's not the right time.

وقت مناسبی نیست.

It's been a long time.

خیلی وقت گذشته است.

It's been a while since we talked.

مدتی است با هم صحبت نکرده ایم.

It's only 7 a.m.

تازه ساعت ۷ صبح است.

It's already noon.

دیگر ظهر شده است.

It's nearly time to go.

تقریباً وقت رفتن است.

در بیشتر این جمله‌ها، it را در فارسی مستقیم ترجمه نمی‌کنیم. بهتر است به جای ترجمه کلمه‌به‌کلمه، کل ساختار را یاد بگیرید.

کاربرد it برای آب و هوا، دما، روشنایی و تاریکی

در انگلیسی برای صحبت درباره آب و هوا، دما، روشنایی، تاریکی و شرایط محیطی معمولاً از **it** استفاده می‌کنیم. در این جمله‌ها، **it** به چیز مشخصی اشاره نمی‌کند و فقط نقش فاعل جمله را دارد. مثال:

It's raining.

باران می‌آید.

در فارسی نمی‌گوییم «آن باران می‌آید»، اما در انگلیسی نمی‌توانیم جمله را بدون فاعل بسازیم. به همین دلیل باید از **it** استفاده کنیم.

استفاده از **it** برای آب و هوا

وقتی درباره باران، برف، باد، آفتاب یا وضعیت کلی هوا صحبت می‌کنیم، معمولاً جمله را با **it** شروع می‌کنیم. مثال:

It's raining.

باران می‌آید.

It's snowing.

برف می‌آید.

It's windy today.

امروز هوا بادی‌ست. / امروز باد است.

It's sunny outside.

بیرون آفتابی است.

It's cloudy this morning.

امروز صبح هوا ابری است.

It's foggy on the road.

جاده مه آلود است.

در این جمله‌ها، **it** معنی مستقیم ندارد و معمولا در فارسی ترجمه نمی‌شود.

بیشتر بخوانید: آموزش آب و هوا به انگلیسی

تفاوت **It rains** و **It's raining**

برای صحبت درباره آب و هوا، هم می‌توانیم از حال استمراری استفاده کنیم، هم از حال ساده؛ اما معنی آن‌ها فرق دارد. وقتی می‌گوییم:

It's raining.

یعنی همین الان باران در حال باریدن است. اما وقتی می‌گوییم:

It rains a lot here.

اینجا زیاد باران می‌بارد.

یعنی درباره یک عادت، وضعیت کلی یا اتفاق تکراری صحبت می‌کنیم. مثال‌های بیشتر:

It snows a lot in this city.

در این شهر زیاد برف می بارد.

It gets very hot here in summer.

اینجا در تابستان خیلی گرم می شود.

It doesn't rain much in this area.

در این منطقه زیاد باران نمی بارد.

پس **It's raining** برای الان است، اما **It rains** برای حالت کلی یا تکراری استفاده می شود.

استفاده از **it** برای دما و حس هوا

برای گفتن سردی، گرمی یا حس کلی هوا هم از **it** استفاده می کنیم. مثلاً:

It's cold today.

امروز هوا سرد است.

It's hot in here.

اینجا گرم است.

It's freezing outside.

بیرون خیلی سرد است.

It's warm and nice today.

امروز هوا گرم و خوب است.

It's a bit chilly this morning.

امروز صبح هوا کمی خنک است.

It's too hot to walk outside.

برای پیاده روی بیرون خیلی گرم است.

در جمله هایی مثل **It's hot in here**، منظور از **in here** یعنی «اینجا داخل این فضا»؛ مثلا داخل اتاق، کلاس یا ماشین.

Can we open a window? It's hot in here.

می توانیم پنجره را باز کنیم؟ اینجا گرم است.

استفاده از **it** با **get** برای تغییر هوا

وقتی می خواهیم بگوییم هوا دارد گرم تر، سردتر، تاریک تر یا بهتر می شود، معمولا از ساختار **It's getting** ... استفاده می کنیم. مثال:

It's getting cold.

هوا دارد سرد می شود.

It's getting warmer.

هوا دارد گرم‌تر می‌شود.

It's getting dark.

هوا دارد تاریک می‌شود.

It's getting better.

دارد بهتر می‌شود.

It's getting really windy.

هوا دارد واقعا بادی می‌شود.

این ساختار در مکالمه روزمره خیلی طبیعی است.

بیشتر بخوانید: گرامر get در زبان انگلیسی

استفاده از it برای روشنایی و تاریکی

برای صحبت درباره روشن یا تاریک بودن هوا، فضا یا زمان روز هم از **it** استفاده می‌کنیم. مثال:

It's dark outside.

بیرون تاریک است.

It's still light outside.

بیرون هنوز روشن است.

It gets dark early in winter.

در زمستان هوا زود تاریک می‌شود.

It gets light early in summer.

در تابستان هوا زود روشن می‌شود.

It was already dark when we left.

وقتی رفتیم، هوا دیگر تاریک شده بود.

در این جمله‌ها هم **it** به شیء خاصی اشاره نمی‌کند؛ فقط برای کامل شدن جمله آمده است.

کاربرد **it** برای فاصله و مدت زمان

در انگلیسی برای صحبت درباره فاصله و مدت زمان هم معمولاً از **it** استفاده می‌کنیم. در این جمله‌ها، **it** معمولاً به چیز مشخصی اشاره نمی‌کند و فقط کمک می‌کند جمله از نظر گرامری کامل باشد. مثال:

It's far from here.

از اینجا دور است.

در فارسی لازم نیست بگوییم «آن از اینجا دور است»، اما در انگلیسی جمله باید فاعل داشته باشد؛ به همین دلیل از **it** استفاده می‌کنیم.

استفاده از it برای فاصله

وقتی می‌خواهیم بگوییم جایی نزدیک یا دور است، معمولا از **it** استفاده می‌کنیم. مثال:

It's close.

نزدیک است.

It's far.

دور است.

It's not far from here.

از اینجا دور نیست.

It's about ten minutes from here.

از اینجا حدود ده دقیقه فاصله دارد.

It's a long way from the city center.

از مرکز شهر خیلی دور است.

It's only a short walk.

فقط کمی پیاده‌روی دارد. / فقط یک پیاده‌روی کوتاه است.

در این جمله‌ها، **it** معمولا به مسیر، مقصد یا فاصله اشاره می‌کند؛ اما در فارسی اغلب مستقیم ترجمه نمی‌شود. مثال:

A: Is the station far?

ایستگاه دور است؟

B: No, it's only five minutes away.

نه، فقط پنج دقیقه فاصله دارد.

پرسیدن فاصله با **How far is it**

برای پرسیدن فاصله، از ساختار **How far is it...** استفاده می‌کنیم. مثلاً:

How far is it?

چقدر فاصله دارد؟

How far is it from here?

از اینجا چقدر فاصله دارد؟

How far is it from your house to work?

از خانه‌ات تا محل کارت چقدر فاصله است؟

How far is it from Tehran to Shiraz?

از تهران تا شیراز چقدر فاصله است؟

در جواب این سؤال‌ها هم معمولاً از **it** استفاده می‌کنیم. مثال:

It's about two kilometers.

حدود دو کیلومتر است.

It's a ten-minute walk.

ده دقیقه پیاده روی است.

It's about half an hour by car.

با ماشین حدود نیم ساعت راه است.

It's not that far.

آن قدرها هم دور نیست.

عبارت **not that far** در مکالمه خیلی طبیعی است و یعنی «خیلی دور نیست» یا «آن قدرها دور نیست».

کاربرد **it take** برای مدت زمان

یکی از مهم ترین ساختارها برای صحبت درباره مدت زمان، ساختار **It takes** ... است. این ساختار یعنی «طول می کشد». ساختار کلی جمله:

It takes + time

مثال:

It takes ten minutes.

ده دقیقه طول می کشد.

It takes a long time.

زمان زیادی طول می کشد.

It doesn't take long.

زیاد طول نمی کشد.

It takes too much time.

خیلی زمان می برد.

برای گفتن اینکه انجام یک کار چقدر طول می کشد، از این ساختار استفاده می کنیم:

It takes + time + to + verb (فعل)

مثال:

It takes ten minutes to get there.

رسیدن به آنجا ده دقیقه طول می کشد.

It takes about an hour to cook this.

پختن این غذا حدود یک ساعت طول می کشد.

It takes time to learn a new language.

یاد گرفتن یک زبان جدید زمان می برد.

It takes a lot of practice to speak naturally.

طبیعی صحبت کردن تمرین زیادی می خواهد.

It takes courage to say no.

نه گفتن شجاعت می خواهد.

در فارسی، گاهی این ساختار را با «طول می کشد» ترجمه می کنیم و گاهی طبیعی تر است آن را با «زمان می برد» یا «نیاز دارد» ترجمه کنیم.

پرسیدن مدت زمان با **How long does it take**

برای پرسیدن اینکه کاری چقدر زمان می برد، از ساختار **How long does it take ...?** استفاده می کنیم. مثال:

How long does it take?

چقدر طول می کشد؟

How long does it take to get there?

رسیدن به آنجا چقدر طول می کشد؟

How long does it take to learn English?

یاد گرفتن انگلیسی چقدر طول می کشد؟

How long does it take to charge the phone?

شارژ شدن گوشی چقدر طول می کشد؟

How long does it take to finish the course?

تمام کردن دوره چقدر طول می کشد؟

در جواب هم می توانیم بگوییم:

It takes about twenty minutes.

حدود بیست دقیقه طول می کشد.

It usually takes an hour.

معمولاً یک ساعت طول می کشد.

It doesn't take much time.

زیاد زمان نمی برد.

It takes longer than I expected.

بیشتر از چیزی که انتظار داشتم طول می کشد.

کاربرد it takes با شخص

اگر بخواهیم بگوییم انجام کاری برای یک شخص چقدر طول می‌کشد، می‌توانیم اسم یا ضمیر شخص را بعد از **takes** بیاوریم.

It takes + someone (شخص) + time (زمان) + to + verb (فعل)

مثلا:

It takes me twenty minutes to get to work.

بیست دقیقه طول می‌کشد تا به محل کار برسم.

It took us two hours to find the hotel.

دو ساعت طول کشید تا هتل را پیدا کنیم.

It takes her a long time to get ready.

آماده شدنش خیلی طول می‌کشد.

It took them a week to fix the problem.

یک هفته طول کشید تا مشکل را حل کنند.

در این ساختار، **me, us, her** و **them** نشان می‌دهند این زمان برای چه کسی طول می‌کشد. توجه کنید که می‌توانید این ساختار را برای گذشته (**It took ...**) و آینده (**It will take ...**) نیز به کار ببرید.

چند جمله کاربردی با it برای فاصله و زمان

It's just around the corner.

همین نزدیکی است.

It's within walking distance.

پیاده هم می شود رفت. / فاصله اش در حد پیاده روی است.

It's too far to walk.

برای پیاده رفتن خیلی دور است.

It's only a few minutes away.

فقط چند دقیقه فاصله دارد.

It takes forever to load.

لود شدنش خیلی طول می کشد.

It won't take more than five minutes.

بیشتر از پنج دقیقه طول نمی کشد.

It took me longer than usual.

بیشتر از معمول طول کشید.

It takes time to get used to it.

عادت کردن به آن زمان می برد.

it به عنوان فاعل مجازی یا Dummy Subject

یکی از مهم ترین کاربردهای **it** در انگلیسی زمانی است که **it** به چیز مشخصی اشاره نمی کند، اما در ابتدای جمله می آید تا جای فاعل را پر کند. به این کاربرد، **Dummy Subject** یا «فاعل مجازی» می گوئیم.

در انگلیسی، بیشتر جمله ها باید فاعل داشته باشند. برای همین وقتی جمله درباره زمان، هوا، فاصله، نظر، سختی، آسانی یا یک موقعیت کلی است، از **it** استفاده می کنیم. مثال:

It's important to be on time.

وقت شناس بودن مهم است.

در این جمله، **it** به یک چیز خاص اشاره نمی کند. معنی اصلی جمله این است:

Being on time is important.

اما در انگلیسی، ساختار **It's important to ...** طبیعی تر و رایج تر است.

ساختار It + be + adjective + to verb

یکی از رایج ترین ساختارهای فاعل مجازی با **it** این است:

It + be + adjective (صفت) + to + verb (فعل)

از این ساختار برای نظر دادن درباره یک کار استفاده می کنیم؛ مثل می گوئیم انجام کاری آسان، سخت، مهم، لازم، طبیعی یا عجیب است. مثلاً:

It's easy to use.

استفاده از آن آسان است.

It's hard to explain.

توضیح دادنش سخت است.

It's important to listen carefully.

مهم است با دقت گوش کنیم.

It's dangerous to drive too fast.

سریع رانندگی کردن خطرناک است.

It's normal to feel nervous before an exam.

طبیعی است قبل از امتحان استرس داشته باشی.

It's better to wait.

بهتر است صبر کنیم.

در این جمله‌ها، **it** معنی مستقیم «آن» ندارد. فقط جمله را از نظر گرامری کامل می‌کند.

چند صفت پرکاربرد در این ساختار

در ساختار **It's + adjective + to** ... می‌توانیم از صفت‌های زیادی استفاده کنیم.

It's **easy** to forget.

فراموش کردنش آسان است.

It's **hard** to say.

گفتنش سخت است.

It's **possible** to change the date.

امکان تغییر تاریخ وجود دارد.

It's **impossible** to know for sure.

غیرممکن است که با قطعیت بدانیم.

It's **necessary** to bring your passport.

لازم است پاسپورتتان را بیاورید.

It's **useful** to write new words down.

نوشتن کلمات جدید مفید است.

It's **strange** to see him so quiet.

عجیب است که او را این قدر ساکت ببینیم.

این ساختار در مکالمه و نوشتار بسیار رایج است و کمک می‌کند جمله طبیعی‌تر و مرتب‌تر به نظر برسد.

ساختار It + be + adjective + for someone + to verb

اگر بخواهیم بگوییم انجام یک کار برای چه کسی آسان، سخت، مهم یا لازم است، بعد از صفت از **for someone** استفاده می‌کنیم. ساختار:

It + be + adjective (صفت) + for + someone (شخص) + to + verb (فعل)

مثلا:

It's hard for me to wake up early.

زود بیدار شدن برای من سخت است.

It's easy for children to learn new words.

یاد گرفتن کلمات جدید برای بچه‌ها آسان است.

It's important for students to practice every day.

مهم است دانش آموزها هر روز تمرین کنند.

It's difficult for him to say no.

نه گفتن برای او سخت است.

It's impossible for us to finish this today.

غیرممکن است امروز این را تمام کنیم.

بیشتر بخوانید: گرامر فاعل مجازی در انگلیسی

جمع بندی

کلمه **it** در انگلیسی فقط به معنی «آن» نیست و در بسیاری از جمله‌ها برای کامل شدن ساختار جمله استفاده می‌شود. از **it** برای اشاره به اشیا، حیوانات، موقعیت‌ها، آب‌وهوا، زمان، فاصله و حتی ساختارهای گرامری مثل **Dummy Subject** استفاده می‌کنیم. مهم‌ترین نکته این است که **it** را همیشه کلمه به کلمه ترجمه نکنید؛ بهتر است ساختارهای رایج آن را همراه با مثال یاد بگیرید.

سوالات متداول

کاربرد it در انگلیسی چیست؟

it برای اشاره به چیز، حیوان، موقعیت یا کامل کردن ساختار جمله‌هایی مثل زمان، هوا و فاصله استفاده می‌شود.

آیا it همیشه یعنی «آن»؟

نه، در خیلی از جمله‌ها مثل **It's raining** یا **It's late**، کلمه it ترجمه مستقیم ندارد.

جمع it در انگلیسی چیست؟

خود **it** جمع بسته نمی‌شود؛ برای حالت جمع معمولاً از **they, them** و **their** استفاده می‌کنیم.

آیا می‌توان از it برای انسان استفاده کرد؟

معمولاً نه؛ اما در موقعیت‌هایی مثل پشت تلفن یا پشت در می‌گوییم **It's me** یا **Who is it?**